

رخداد

راز جسدی در زاینده‌رود

■ **شرق:** راز قتل مردی که جسدش دو ماه پیش در رودخانه زاینده‌رود کشف شده بود برسرلا و قاتل وی دستگیر شد. جسد مردی که دست و پایش با طنابی بسته شده بود هفتم بهمن سال گذشته در رودخانه زاینده‌رود کشف شد. از آنجا که هویت جسد بر اثر ماندن در آب قابل شناسایی نبود تحقیقات وسیعی برای شناسایی او توسط تیم ویژه تشخیص هویت انجام شد و کارشناسان در کمتر از یک هفته موفق شدند مقتول را که مردی ۲۸ ساله به نام اسماعیل بود شناسایی کنند. سپس کار آگاهان دریافتند اسماعیل از یکی از استان‌های همجوار به اصفهان آمده و به منزل یکی از اقوام خود رفته بود اما بعد از آن ناپدید شده است. ماموران با انجام تحقیقات گسترده منزلی را که مقتول قبل از ناپدید شدن در آن مستقر شده بود یافتند و هنگام بازرسی از این خانه تکه طنابی توجه آنان را جلب کرد. این طناب با طنابی که به دست و پای مقتول بسته شده بود شباهت زیادی داشت به همین دلیل صاحبخانه به اتهام قتل دستگیر و به مرجع قضایی معرفی شد. در حال حاضر تحقیقات برای افشای انگیزه قتل ادامه دارد.

کشف بزرگ‌ترین محموله مورفین

■ **مهر:** بزرگ‌ترین محموله مورفین کشور توسط ماموران پلیس از یک کامیون کشف و ضبط شد. سردار محمد علی اخوندی -فرمانده انتظامی استان هرمزگان- در این‌باره گفت: ماموران انتظامی مستقر در یاسگاه ایست و بازرسی فریاب رودان صبح روز سه‌شنبه حین کنترل مجور و خودروهای عبوری به یک دستگاه کامیون که از مسیر کهنوج به بندرعباس در حرکت بود مشکوک شدند و خودرو را متوقف کردند. او افزود: ماموران خودرو را به یگان انتقال دادند و در بازرسی فنی ۱۵۸ کیلو و ۳۰۰ گرم مورفین و ۴۵۷ کیلو و ۶۴۰ گرم تریاک با لافقه که به طرز بسیار ماهرانه‌ای در قسمت‌های مختلف خودرو جاسازی شده بود کشف و راننده را دستگیر کردند.

سرقت از ۳۵ خانه ویلایی

■ **شرق:** سارقان منازل ویلایی شهرستان رباط کریم دستگیر شدند و به ۳۵ فقره سرقت منزل اعتراف کردند. سرهنگ اصلائی فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران در تشریح این خبر گفت: در پی وقوع سرقت‌های مشابه منزل در شهر جدید پرند شهرستان رباط کریم، اکپب ویژه‌ای از کار آگاهان پلیس آگاهی دستگیری سارقان را در دستور کار خود قرار دادند. سرهنگ اصلائی افزود: ماموران با کمک یکی از مالباشتگان به چهره‌نگاری از متهمان پرداختند و یکی از سارقان را که از مجرمان سابقه‌دار بود، شناسایی کردند و محل‌های تردد و پاتوق متهم را تحت کنترل قرار دادند تا اینکه روز سه‌شنبه پس از اطمینان از ورود متهم به منزل اجرای خود وی را دستگیر کردند. فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران تصریح کرد: متهم در بازجویی‌های پلیسی به ۳۵ فقره سرقت در شهر جدید پرند با همدستی فرد دیگری اعتراف کرد و در عملیات دیگری سارق دوم دستگیر و مشخص شد متهمان با یک سمند به در منازل ویلایی که از قبل شناسایی کرده بودند می‌رفتند و پس از تخریب قفل در ورودی، وارد خانه می‌شدند و اموال را به سرقت می‌بردند.

کلاهبرداری با چک‌های دزدی

■ **شرق:** فردی که به چک‌های دزدی اقدام به کلاهبرداری می‌کرد به دام افتاد. در پی شکایت فردی به عنوان بازاریاب یک شرکت پخش آمبیوه از دو نفر مبنی بر کلاهبرداری ۱۷۵ میلیون ریالی از وی، پیگیری پرونده در دستورکار ماموران پلیس آگاهی استان البرز قرار گرفت. شاکي با معرفی خود به عنوان بازارياب شرکت پخش آمبیوه در ادامه اظهاراتش به ماموران گفت: مدتی پیش با متهم که خود را بازارياب یک شرکت مواد غذایی معرفی می‌کرد آشنا شدم و این فرد پس از جلب اعتماد من با سفارش انواع آمبیوه به ارزش ۱۷۵ میلیون ریال دو فقره چک با مبلغ ۷۵ و ۹۵ میلیون ریال بابت خرید آمبیوه‌ها ارایه داد من پس از زمان سررسید چک‌ها به بانک مراجعه کردم و متوجه شدم چک‌های ارایه شده سرقتی است. ماموران در حال رسیدگی به پرونده بودند که شاکي دیگری با معرفی خود به عنوان صاحب فروشگاه مواد غذایی شکایتی مطرح کرد مبنی بر اینکه فردی با مشخصات متهم اول، حدود پنج تن برنج هندی از وی خریداری کرده و بابت آنها یک فقره چک به مبلغ ۴۹ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال ارایه داده و مشخص شده چک سرقتی است. با توجه به شکایت این دو نفر، احتمال وجود باند کاملاً حرفه‌ای و احتمال افزایش شکات متصور بود، در نتیجه ماموران با انجام کارهای اطلاعاتی و تحقیقات نامحسوس به جمع‌آوری مدارک پرداختند و متهم را در میدان شهدای کرج دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل کردند. متهم ابتدا منکر داشتن اطلاع از چک‌های سرقتی شد اما پس از مواجهه حضوری با شکات ادعان داشت با همکاری یکی از اقوام خود اقدام به خرید مواد غذایی می‌کرد و چک‌های سرقتی را به عنوان بهای کالاها به فروشندگان می‌پرداخت. در پی اعتراف متهم ردیف اول همدست وی در حالی که قصد فرار از پنجره نورگیر منزلش را داشت دستگیر شد و اعتراف کرد چک‌های سرقتی را از طریق فرد دیگری به قیمت هر برگ ۲۰۰ هزار تومان تهیه می‌کرد. در ادامه فروشنده چک‌های مسروقه دستگیر شد و اقرار کرد چک‌ها را از شخصی که سارق مدارک است دریافت می‌کرد. در ادامه این سارق نیز به دام افتاد و در بازجویی‌ها به ۲۰ فقره سرقت داخل خودرو و سرقت چک‌ها اعتراف کرد.

شرق: پیامک‌های مرموز، راز قتل دو مردی را که قربانی نقش‌های مشابه شده بودند بعد از ماه‌ها برملار کرد. به گزارش خبرنگار ما، خانواده مردی به نام هاشم یک سال قبل به پلیس تهران خبر دادند او گم شده است. برادر هاشم به پلیس گفت: «هاشم برای وصول طلبی به کرج رفته بود اما دیگر خبری از او نشد البته او روز حادثه همراه خواهرزاده‌ام محمد بود.»وقتی ماموران محمد را مورد بازجویی قرار دادند او ادعا کرد از داییش خبر ندارد. وی گفت: «هاشم سر قرارى که با من داشت حاضر نشد. او به من تلفن زد و گفت کارى براىش پیش آمده و نمى‌تواند بیاید.» از آنجایی که مدرکی علیه محمد وجود نداشت این جوان آزاد شد و پس از آن تحقیقات پلیس برای پیدا کردن ردی از هاشم ادامه داشت تا اینکه برادر مرد مفقودی بار دیگر نزد ماموران مراجعه کرد و گفت برادرش پیامکی فرستاده که نشان می‌دهد زنده است. هاشم در این پیامک مدعی شده بود برای گرفتن طلبش نزد یکی از دوستانش رفته است و به‌زودی برمی‌گردد. به این ترتیب خانواده هاشم شکایت خود را پس گرفتند و تحقیقات متوقف شد تا اینکه چند ماه بعد برادر هاشم دوباره به پلیس آگاهی رفت و گفت: از وقتی برادرم به طور ناگهانی گم شد دیگر برنگشت، او در این مدت فقط برای خواهرزاده‌ام پیامک می‌فرستد و محمد هم این پیامک‌ها را نشان ما می‌دهد. هاشم با شخص دیگری ارتباطی ندارد. ضمن اینکه هر چه با تلفنش تماس می‌گیریم جواب نمی‌دهد و به نظر می‌رسد موضوع مشکوک است. وقتی پرونده ناپدید شدن هاشم بار دیگر روی میز کارآگاهان قرار گرفت آنها فهمیدند پرونده مشابه دیگری نیز مطرح است. در آن پرونده مردی جوان به طور ناگهانی گم شده

شرق: مسوول کمپ ترک اعتیاد که قصد داشت مرد معتاد را تنبیه کند نمی‌دانست این تنبیه مرگ مرد جوان را رقم زده و او را پای می محاکمه می‌کشاند. به گزارش خبرنگار ما، ماموران کلانتری طالقانی کرج ۲۳تیر سال گذشته باخبر شدند مردی معتاد به طرز مشکوکی جان خود را از دست داده‌است. وقتی ماموران به محل حادثه رسیدند مسوول کمپ ترک اعتیاد مدعی شد این مرد ۳۷ساله که سیواش نام داشت در رودخانه غرق شده‌است. پس از انتقال جنازه به پزشکی قانونی و انجام تحقیقات تخصصی فاش شد آثار کبودی روی دست‌ها و پاهاى مقتول وجود دارد که نشان می‌دهد این مرد قبل از مرگ احتمالاً به زور داخل آب انداخته شده و کسی که این کار را کرده دست‌پوای او را بسته است. به این ترتیب مسوول کمپ یکبار دیگر مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: دو هفته قبل پدرمادر سیواوش را را به کمپ آوردند تا اعتیادش را ترک کند اما او حاضر نبود این کار را بکند و سعی می‌کرد فرار کند. به همین دلیل

به اتفاق همکارانم او را گرفتیم و دوباره در کمپ بستری کردیم. ما معتادان بداخلاق زیادی داشتیم اما سیواوش با همه آنها فرق می‌کرد. از وقتی آمده بود چک‌های دیگر را اذیت می‌کرد، وسایل آنها را می‌زدید و کاری می‌کرد که بقیه با او دعوا کنند. چندین بار سر یخچال رفته و غذای بقیه معتادان را برداشته و خورده‌بود. روز آخر وقتی فهمیدم دوباره غذای چند نفر از بچه‌ها را برداشته است تا آنها را عصبانی کند، دعوا را ببینداز خیلی ناراحت شدم و تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم.

مدیر کمپ در مورد نحوه تنبیه گفت: به پویان که دستیارم و از معتادان ترک‌کرده همین کمپ بود گفتم دست‌پوای سیواوش را ببندد و او را داخل رودخانه بیندازد تا مرد معتاد چند ساعتی آنجا بماند و بعد دوباره او را ببرون می‌آوریم. بعد از اینکه سیواوش را داخل رودخانه انداختیم من سرکلاس رفتم، ما روز هر چندساعتی کلاس گروهی

کودک کار به طرز مرموزی ناپدید شد



شرق: کار آگاهان در جست‌وجوی کودک ۱۰ ساله‌ای هستند که متهم دستفروشی به طرز مرموزی ناپدید شد. به گزارش خبرنگار ما زن جوانی ساعت ۹:۳۰ نخستین روز اسفند سال گذشته به مراجعه به کلانتری باغ‌فیض به ماموران اعلام کرد پسر ۱۰ ساله‌اش به نام نادر، از روز قبل از منزل خارج شده و دیگر به منزل بازنگشته است. مادر نادر پس از تشکیل پرونده و حضور در اداره یازدهم پلیس آگاهی

به کار آگاهان توضیح داد: «دار ساعت ۱۶ روز ۲۹ بهمن با لباس مدرسه از منزل خارج شد و پس از آن، دیگر به خانه بازنگشته است. نادر با وجود سن کمی که داشت، برای کمک به من در منطقه پونک و آرایشهر دستفروشی می‌کرد. روز حادثه هم تا ساعت ۲۱ با او از طریق تلفن همراهی که برایش تهیه کرده بودم، در تماس بودم اما زمانی که تلفن همراهش خاموش شد و نیز به خانه نیامد به تمام محل‌هایی که فکر می‌کردم ممکن است پسرجم آید جانش سرکشی کردم، اما او را پیدا نکردم».

پنج قاره

مرگ خلبان هنگام پرواز

■ **آسوشیت‌پرس:** پیرزن ۸۰ ساله آمریکایی که با همسرش سوار بر یک هواپیمای کوچک دوموتوره بود با وجود فوت شوهرش توانست هواپیمای را موفقیت فرود آورد. خلبان ۸۱ ساله این هواپیما جین پرواز به دلیل بیماری از حوال رفت و پیپوش شد و همسرش که تنها مسافر این هواپیما بود، مجبور شد هدایت هواپیما را برعهده بگیرد. این زن با وجود اینکه سوخت یکی از موتورها در حال اتمام بود، توانست هواپیمای را کنترل کند و آن را سالم فرود آورد.

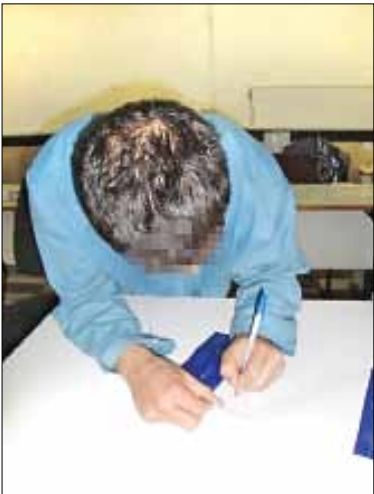
مرد ۱۱۱ ساله در آرزوی ازدواج

■ **ایسننا:** پیرترین مرد آمریکایی در صد و یازدهمین سالگرد تولدش آرزو کرد بار دیگر ازدواج کند. ششلی هریس» که در سال ۱۹۰۱ میلادی در جنوب ایالت «پنایاندا» متولد شده‌است، هم‌اکنون در یک مرکز نگهداری سالمندان در ایالت «یلی‌نوی» نگهداری می‌شود. هریس در توضیح آرزوی جشن تولد ۱۱۱سالگی‌اش گفت: دوست دارم یکبار دیگر بیسیبال بازی کنم و اگر امکانش وجود داشته باشد بار دیگر ازدواج کنم. اگر چه به نظر نمی‌آید هریس در این سن بتواند همسری مطابق با شرایطش پیدا کند، قرار است طی چند روز آینده به آرزوی دیگری که بازی بیسیبال است، برسد. او از عمر طولانی‌اش را دوست داشتن دیگران و داشتن رفتار مناسب با مردم می‌داند و به

حوادث

قاتل به جای دو مقتول خبررسانی می‌کرد

پیامک از دیار باقی



نااخته است، بازرسی کردند و متوجه شدند ماموران پلیس شه‌ریار قبلاً جنازه‌ای را در آنجا یافته و در فهرست اجساد مجهول‌الهویه قرار داده بودند و جسد پس از مدتی به دلیل شناسایی نشدن خانواده‌اش دفن شد. خانواده حسن عکس‌های گرفته‌شده از جسد را شناسایی کردند و با انجام نیش قیسر و آزمایش دی‌ان‌ای، هویت این مرد مورد توانستم محلی که محمد مدعی بود جسد را آنجا

تنبیه مرگبار مرد معتاد در مرکز ترک اعتیاد

داشتیم و باهم صحبت می‌کردیم. وقتی از کلاس بیرون آمدم به سراغ سیواوش رفتم هنوز به رودخانه نرسیده‌بودم که پویان هراسان گفت سیواوش در آب خفه شده است. بلافاصله خودم را به کنار رودخانه رساندم و دیدم سیواوش مردداست با این حال سعی کردیم او را احیا کنیم اما نشد. پلیس در ادامه تحقیقات خود به سراغ پویان رفت. او اتهام غرق کردن سیواوش را قبول کرد و گفت: مدیر کمپ مرد بداخلاقی بود و من خیلی از او می‌ترسیدم. وقتی می‌گفت یک کاری را باید انجام دهید حتماً باید آن کار را می‌کردیم و هیچ راهی برای شانه خالی کردن وجود نداشت. آن روز وقتی او به من گفت دست‌پوای سیواوش را ببندد و او را داخل رودخانه بینداز تا ترسم قبول کردم. سیواوش خیلی التماس کرد و گفت آب خیلی سرد است، دلم برایش سوخت. خیلی ناراحت شدم اما از ترسم نتوانستم او را از آب بیرون بیاورم. حتی ۴۵دقیقه پیش

بود. محمد بعد از به نتیجه رسیدن این قسمت پرونده دوباره مورد بازجویی قرار گرفت تا در مورد قتل داییش هاشم هم توضیح دهد. او گفت: هاشم تازه خانه‌اش را فروخته بود و مبلغ زیادی پول داشت. وسوسه شدم از او پول بگیرم. هاشم فکر می‌کرد پولش را پس نمی‌دهم برای همین می‌گفت نمی‌تواند به من پول بدهد. من هم از همان روشی که حسن را کشته بودم استفاده کردم. آمبیوه مسموم به هاشم دادم و او را کشتم. هفت‌میلیون تومان پول داشت آن را برداشتم و جسد را پنهان کردم. محمد ابتدا ادعا کرد جسد را در جاهی انداخته اما وقتی ماموران به محل رفتند و جنازه را پیدا نکردند یکبار دیگر او را بازجویی کردند. محمد این‌بار اعتراف کرد جسد را در صندوق عقب ماشینش جاسازی کرده و آن را به یکی از شهرهای شمالی برده است. متهم گفت: پدرم در آن شهر باغی داشت، چالامی در باغ کندم و جنازه را داخل آن گذاشتم و رویش را پوشاندم. تلفن همراه هاشم را برداشتم و برای اینکه خانواده‌اش شک نکنند مرتب از طرف او پیامک می‌دادم. خیلی از این پیامک‌ها را به گوشی همراه خودم می‌فرستادم و به خانواده نشان می‌دادم تا شکایت نکنند. چندماهی هم توانستم آنها را امیدوار کنم اما در نهایت دایی کوچکم شکایت کرد. با اعتراف این مرد و کشف جسد از باغی که او اعتراف کرده بود بازجویی با متهم به پایان رسید. با بازسازی صحنه جنایت و اخذ آخرین دفاع، پرونده تکمیل و کیفرخواست به اتهام دوقفره قتل صادر و این پرونده برای محاکمه متهم به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری‌استان تهران فرستاده شد و متهم به‌زودی برای دفاع از خود در برابر اتهام دوقفره قتل مورد محاکمه قرار می‌گیرد.

سیواوش نشستست تا امیدوارش کنم و با حرف‌هایم به او آرامش بدهم تا بتواند آن شرایط را تحمل کند. بعد برای انجام کاری رفتم. یک ساعت بعد برگشتم و دیدم سیواوش غرق شده‌است.

متهم ادامه‌داد: این‌طور نبود که ما معتادی را در رودخانه رهاکنیم. قسمتی از رودخانه را مثل استخر درست کرده‌بودیم و آنجا سنگچین داشت و آب در آن جمع شده‌بود و می‌شد در آن ایستاد. من سیواوش را جایی گذاشتم که بتواند به یک تخته سنگ تکیه دهد قدم کشتن او نبود.

با توجه به اعترافات متهمان، ماموران محل حادثه را بازدید کردند و صحنه قتل هم بازسازی شد. با تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه‌های کیفری استان البرز فرستاده‌شد و پویان به اتهام مباشرت در قتل و مدیر کمپ به اتهام معاونت در قتل از نظر دادسرا مجرم شناخته شدند و به‌زودی در دادگاه کیفری استان البرز محاکمه می‌شوند.

قتل فروشنده خودرو «سمند» در قرار خونین

را به صورت قولنامه‌ای به مبلغ هشت میلیون تومان خریده است. چند روز بعد جسد عزت در حالی که خفه شده بود در قزوین پیدا شد و ابراهیم بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و قتل عزت را پذیرفت. او گفت: من به کار بروم ۹۵درصد معتادان در عرض شش ماه پس از ترک، بار دیگر رو به سوی اعتیاد می‌آورند. بسیاری از خانواده‌ها قبل‌ا معتاد خود را به مراکز مجاز برده‌اند و با این نتیجه روبه‌رو شده‌اند و شاید هم بارها این‌ن کار را کرده و اکنون ناامید شده‌اند و در واقع معتاد را به این کمپ‌ها می‌برند تا دست‌کم کم هزینه کمتری پرداخت کنند و برای مدتی از آزار و مزاحمت معتاد در امان باشند. بنابراین ما به دو نتیجه می‌رسیم: ۱) عدم کارآیی روش‌های به اصطلاح استاندارد موجود و مرسوم که برای ترک بار مالی خارج از توان خانواده معتاد نیز را دارد. ۲) نیاز خانواده برای دور بودن از معتاد و رفتارهای نامناسب او برای دست‌کم چند هفته یا چند ماه.

اما موضوع مهم دیگر آن است که معتادان اگر در کمپ هم نباشند به علت رفتارهای مرتبط با اعتیاد با خطر بالای جراحات و صدمه و اعمال جنایی و مرگ روبه‌رو هستند. ضمن تقبیح خشونت نسبت به معتادان، باید این نکته را هم یادآور شد که بخش عمده‌ای از جرایم و حوادث در سطح جامعه توسط معتادان انجام می‌گیرد. شاید خانواده‌ها نیز با علم به اینکه مخاطرات در کمپ‌ها خیلی کمتر از آن چیزی است که معتاد در جامعه با آن روبه‌رو می‌شود اشتیاق به سپردن معتاد خود به کمپ‌ها را دارند.

نکنه عمده دیگر آن است که اکثریت پزشکان و به ویژه روانپزشکان تمایلی برای ورود به موضوع ترک اعتیاد ندارند و می‌گویند خود را از این امر دور نگهدارند و البته دلایل موجهی نیز برای این امر ارایه می‌شود. در نتیجه خواه ناخواه افراد دیگری که صلاحیت ندارند از صلاحیت کمتری دارند صرفاً با انگیزه‌های مالی وارد این عرصه می‌شوند. و اما نتیجه نهایی آنکه مردم با وجود همه نارسایی‌ها و مخاطراتی که در کار این کمپ‌ها وجود دارد از آنها استقبال می‌کنند زیرا گزینه عملی و واقعی دیگری برای آنان وجود ندارد. بنابراین قبل از اظهارنظرها و تصمیم‌گیری‌های احساسی درباره این کمپ‌ها، بهتر است واقعیت‌های موجود در امر ترک اعتیاد در ایران یک بار دیگر بازبینی شود.

■**مدیر گروه روانپزشکی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی**
نکته مهم دیگر آن است که دیدگاه خانواده معتادان نسبت به آنان، دیدگاهی دوگانه است. از یک سو محبت و علاقه، و از سوی دیگر کلمی و نفرت نسبت به معتاد وجود دارد. دیدگاه کلی جامعه هم دارای این وجه دوگانه است، از سویی معتادان را مستحق ترحم و توجه می‌دانند و از سوی دیگر آنها را مسوول اعمال مخرب خویش می‌شناسند. بعد نیست این دوسوگرایی عاطفی و شناختی در مسوولان هم موجود باشد. خود معتادان نیز به ظاهر رفتار خود را تأیید نمی‌کنند و احساس متضادی درباره اعتیاد خود دارند. در نتیجه رفتار خشن و تنبیهی نسبت به معتاد جایز شناخته می‌شود و خانواده‌ها و معتادان نیز اینگونه رفتارها را در کمپ‌ها می‌پذیرند. در غیر این‌صورت با این همه هیاهو، مردم برای بردن معتسادان به این کمپ‌ها صف نمی‌کشیدند یا به مقامات قانونی مرتب شکایت می‌کردند. خانواده‌ها ضمن احساس تعهد به معتادان خود بدشان نمی‌آید آنان مقداری هم تنبیه شوند. خود معتادان نیز خوشترن را مستحق مجازات می‌دانند بنابراین کمپ‌ها در واقع این نیاز روانشناختی معناد و خانواده‌و را برآورده می‌کنند.

لحظ برخورد با تیر چراغ تهران

لحظ برخورد با تیر چراغ تهران

برخورد با تیر چراغ برق

شرق: برخورد دو خودرو سواری و رعایت نکردن اصول منبج رانندگی، یک مجروح بر جای گذاشت. این حادثه بعدازظهر سه‌شنبه در جنت‌آباد رخ داد و تصادف دو خودروی سواری با یکدیگر موجب شد یکی از آنها متعرف شود و با تیر چراغ برق برخورد کرد. آتش‌نشانان پس از حضور در محل حادثه با قطع سیستم برق خودروها راننده‌ای را که از ناحیه سر به شدت آسیب دیده بود نجات و با انتقال خودروها با جرثقیل، به ماموریت خود پایان دادند.

نگاه

کمپ‌های ترک اعتیاد از دیدگاهی دیگر

دکتر فرید فدائی*

■ **عموما** در چند سال گذشته بحث‌های مکرر در مورد نامناسب بودن کمپ‌های ترک اعتیاد، روش‌های غیرعلمی ترک، و رفتار توهین‌آمیز و خشن نسبت به معتادان در این کمپ‌ها در گرفته که جنبه کلیشه‌ای پیدا کرده است. آنچه علی‌الظاهر توجه این صاحب‌نظران را جلب نکرده، این حقیقت است که به‌رغم آگاهی خانواده‌های معتادان و خود آنان از این مسایل و با وجود اقدامات مقامات مسوول چرا هنوز این کمپ‌ها وجود دارد و مورد استقبال خانواده‌های معتادان قرار می‌گیرد و تغییری هم در شرایط آنها به وجود نیامده است؟

بدیهی‌ترین پاسخ آن است که لابد این کمپ‌ها، نیلازی را برآورده می‌کنند که مورد استقبال قرار می‌گیرند و خانواده‌ها با وجود آگاهی از شرایط آنها، معتادان خود را با اصرار به این کمپ‌ها می‌فرستند. تردیدی نیست اگر مکان‌های مناسب‌تری برای نگهداری و ترک

معتسادان با روش‌های علمی و انسانی به تعداد کافی و با هزینه مناسب وجود داشته باشد، مردم هم بستگان معتاد خود را به این مکان‌های مناسب‌تر می‌فرستادند. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم مکان‌های مناسب‌تر که در حد استطاعت عموم مردم باشد، وجود ندارد. نکته مهم دیگر آن است که دیدگاه خانواده معتادان نسبت به آنان، دیدگاهی دوگانه است. از یک سو محبت و علاقه، و از سوی دیگر کلمی و نفرت نسبت به معتاد وجود دارد. دیدگاه کلی جامعه هم دارای این وجه دوگانه است، از سویی معتادان را مستحق ترحم و توجه می‌دانند و از سوی دیگر آنها را مسوول اعمال مخرب خویش می‌شناسند. بعد نیست این دوسوگرایی عاطفی و شناختی در مسوولان هم موجود باشد. خود معتادان نیز به ظاهر رفتار خود را تأیید نمی‌کنند و احساس متضادی درباره اعتیاد خود دارند. در نتیجه رفتار خشن و تنبیهی نسبت به معتاد جایز شناخته می‌شود و خانواده‌ها و معتادان نیز اینگونه رفتارها را در کمپ‌ها می‌پذیرند. در غیر این‌صورت با این همه هیاهو، مردم برای بردن معتسادان به این کمپ‌ها صف نمی‌کشیدند یا به مقامات قانونی مرتب شکایت می‌کردند. خانواده‌ها ضمن احساس تعهد به معتادان خود بدشان نمی‌آید آنان مقداری هم تنبیه شوند. خود معتادان نیز خوشترن را مستحق مجازات می‌دانند بنابراین کمپ‌ها در واقع این نیاز روانشناختی معناد و خانواده‌و را برآورده می‌کنند.

موضوع دیگر درباره روش‌های ترک اعتیاد است که در کمپ‌ها به کار می‌رود و مورد اعتراض قرار می‌گیرد که جنبه علمی ندارد. واقعیت آن است که طبق پژوهش‌ها اگر بهترین روش‌های علمی موجود هم برای ترک که مواد به کار بروم ۹۵درصد معتادان در عرض شش ماه پس از ترک، بار دیگر رو به سوی اعتیاد می‌آورند. بسیاری از خانواده‌ها قبل‌ا معتاد خود را به مراکز مجاز برده‌اند و با این نتیجه روبه‌رو شده‌اند و شاید هم بارها این‌ن کار را کرده و اکنون ناامید شده‌اند و در واقع معتاد را به این کمپ‌ها می‌برند تا دست‌کم کم هزینه کمتری پرداخت کنند و برای مدتی از آزار و مزاحمت معتاد در امان باشند. بنابراین ما به دو نتیجه می‌رسیم: ۱) عدم کارآیی روش‌های به اصطلاح استاندارد موجود و مرسوم که برای ترک بار مالی خارج از توان خانواده معتاد نیز را دارد. ۲) نیاز خانواده برای دور بودن از معتاد و رفتارهای نامناسب او برای دست‌کم چند هفته یا چند ماه.

اما موضوع مهم دیگر آن است که معتادان اگر در کمپ هم نباشند به علت رفتارهای مرتبط با اعتیاد با خطر بالای جراحات و صدمه و اعمال جنایی و مرگ روبه‌رو هستند. ضمن تقبیح خشونت نسبت به معتادان، باید این نکته را هم یادآور شد که بخش عمده‌ای از جرایم و حوادث در سطح جامعه توسط معتادان انجام می‌گیرد. شاید خانواده‌ها نیز با علم به اینکه مخاطرات در کمپ‌ها خیلی کمتر از آن چیزی است که معتاد در جامعه با آن روبه‌رو می‌شود اشتیاق به سپردن معتاد خود به کمپ‌ها را دارند.

نکنه عمده دیگر آن است که اکثریت پزشکان و به ویژه روانپزشکان تمایلی برای ورود به موضوع ترک اعتیاد ندارند و می‌گویند خود را از این امر دور نگهدارند و البته دلایل موجهی نیز برای این امر ارایه می‌شود. در نتیجه خواه ناخواه افراد دیگری که صلاحیت ندارند از صلاحیت کمتری دارند صرفاً با انگیزه‌های مالی وارد این عرصه می‌شوند. و اما نتیجه نهایی آنکه مردم با وجود همه نارسایی‌ها و مخاطراتی که در کار این کمپ‌ها وجود دارد از آنها استقبال می‌کنند زیرا گزینه عملی و واقعی دیگری برای آنان وجود ندارد. بنابراین قبل از اظهارنظرها و تصمیم‌گیری‌های احساسی درباره این کمپ‌ها، بهتر است واقعیت‌های موجود در امر ترک اعتیاد در ایران یک بار دیگر بازبینی شود.

■**مدیر گروه روانپزشکی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی**